

تأثیر اقدامات شرکت نفت ایران و انگلیس در ساختار

اقتصادی، عمرانی، و فرهنگی اهواز

محمد رضا علم | عصمت بابادی

چکیده

هدف: این مقاله، درصدد است به تغییرات ناشی از عملیات حفاری نفت توسط شرکت نفت ایران و انگلیس در امور اقتصادی، عمرانی، و فرهنگی و نیز زندگی اجتماعی مردم شهر اهواز بپردازد. روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و تا حدودی اسناد و نشریات انجام شده است. یافته‌ها و نتایج پژوهش: حفاری و استخراج نفت توسط شرکت نفت ایران و انگلیس تأثیراتی در زمینه اقتصادی و عمرانی و فرهنگی در مناطق نفت خیز از جمله اهواز داشته که در ساختار زندگی شهری مناطق مذکور محسوس است. تحولاتی شامل کاهش فعالیت‌های کشاورزی و روی آوردن مردم به فعالیت‌های تجاری، احداث منازل مجهز صنایع برق، ساخت فرودگاه، باشگاه، سینما، درمانگاه، و رواج بعضی اصطلاحات انگلیسی در میان مردم از جمله تبعات مهم این امر است.

کلیدواژه‌ها

اهواز/ شرکت نفت ایران و انگلیس/ زیربنای اقتصادی/ زیربنای عمرانی/ زیربنای فرهنگی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و پنجم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۴)، ۵۰-۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۰ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۷

تأثیر اقدامات شرکت نفت ایران و انگلیس در ساختار اقتصادی، عمرانی، و فرهنگی اهواز^۱

محمد رضا علم^۱ | عصمت بابادی^۲

مقدمه

حفاری و استخراج نفت دوره جدیدی از صنعتی شدن اهواز را رقم زد. با کشف و استخراج نفت در مسجدسلیمان زنگ رشد دیگر شهرهای نفت خیز خوزستان، به خصوص اهواز که چهار سال بعد از مسجدسلیمان نفت در آن استخراج شد، به صدا درآمد. با گسترش عملیات بهره‌برداری در اهواز، مراکز و تأسیسات صنعت نفت نیز در این شهر توسعه یافت. اهواز، به واسطه واقع شدن بین پالایشگاه آبادان و سایر مناطق، به نقطه مناسبی برای انبار کردن وسایل و متمرکز نمودن تعمیرگاه‌های صنعت نفت در جنوب تبدیل شد. حفر و استخراج نفت، در خوزستان، در زمان حفاری‌های شرکت نفت ایران و انگلیس به نتیجه رسید.

تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس، نفوذ انگلیسی‌ها را در ایران، به خصوص خوزستان افزایش داد. در این دوره، چندین مورد عملیات اکتشافی شرکت نفت ایران و انگلیس در اهواز و یکسری اقدامات در جهت توسعه عملیات این شرکت در شهر مذکور صورت گرفت که در جهت منافع شرکت نفت ایران و انگلیس بود، با وجود این، اقدامات شرکت به تدریج در رشد و تغییر ساختار اقتصادی و عمرانی و فرهنگی اهواز تأثیر گذاشت.

درآمدهای حاصل از بهره‌برداری منابع نفتی در کشورهای نفت خیز مهم‌ترین بخش درآمد آن کشور محسوب می‌شود، حال آنکه در ایران، بیشتر این درآمد به شرکت نفت ایران و انگلیس تزریق می‌شد. تا اینکه مصدق توانست با ملی کردن صنعت نفت، به طور موقت،

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد عصمت بابادی به راهنمایی محمد رضا علم است که با همکاری روابط عمومی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب نوشته شده است.

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز

Mralam36@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه شهید

چمران اهواز (نویسنده مسئول)

esmat.babadi@yahoo.com

جلوی زیاده‌روی انگلیسی‌ها را بگیرد. البته، تلاش‌های مصدق با قرارداد کنسرسیوم، که بعد از ملی شدن نفت در زمان محمدرضا شاه امضا شد تا حدود زیادی از بین رفت.

پرسش پژوهش

پرسش اصلی این پژوهش به شرح زیر است:

- فعالیت‌های شرکت نفت ایران و انگلیس چه تأثیری در ساختار شهری اهواز داشته است؟
بر این اساس، فرضیه ما می‌تواند این باشد که «فعالیت‌های شرکت نفت ایران و انگلیس در تغییر معیشت و سبک زندگی مردم، روی آوردن به فعالیت‌های تجاری، توسعه تأسیسات عمرانی و ورود تعدادی واژگان بیگانه در گویش مردم تأثیر گذاشته است».

تاریخچه امتیاز نفت در ایران تا تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس

سابقه نخستین امتیاز نفت به زمان ناصرالدین شاه باز می‌گردد. وی، در فرمانی، در ۲۸۹ ق. امتیاز استخراج کلیه معادن فلزات (غیر از فلزات قیمتی) و زغال سنگ و نفت را به فردی به نام بارون ژولیوس دوروینتر^۱ داد. هرچند امتیاز لغو شد، ولی ناصرالدین شاه، در ۱۳۰۹ ق.، در سفر سومش به اروپا، ضمن اعطای امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی، امتیاز استخراج و بهره‌برداری کلیه معادن ایران و از جمله معادن نفت را به مدت شصت سال به روینتر داد. پنج سال پیش از تجدید امتیاز معادن به روینتر، در ۱۳۰۲ ق.، یک شرکت انگلیسی به نام «هوتر»^۲ امتیازی برای استخراج نفت در حوضه دالکی، نزدیک بوشهر، را از دولت ایران گرفت و دو چاه نفت حفر کرد، ولی به نفت نرسید (شمیم، ۱۳۸۴، صص ۲۹۳، ۲۹۶).

مدت‌ها بعد، در ۱۲۸۰/۱۹۰۱ ش.، ویلیام ناکس داریسی^۳ انگلیسی توانست امتیاز کشف و بهره‌برداری و صدور نفت را به مدت شصت سال از مظفرالدین شاه بگیرد (عیسوی، ۱۳۸۸، صص ۳-۴). وی، طبق ماده شانزدهم امتیاز داریسی در سال ۱۳۲۱/۱۹۰۳ ق. شرکتی با سرمایه ۶۰۰ هزار لیبره تشکیل داد که نام آن را شرکت بهره‌برداری اولیه^۴ نامید و سهامی را که تعهد کرده بود (بیست هزار لیبره) تسلیم و بیست هزار لیبره نقدی به ایران پرداخت کرد (شمیم، ۱۳۸۴، ص ۳۰۵). داریسی، مدت سی سال به حفاری ادامه داد بدون اینکه به نفت برسد و در این مدت دویست هزار لیبره انگلیسی از دستش رفت. در این هنگام، شرکت نفت برمه^۵ - که می‌دانست داریسی امتیاز استخراج نفت در ایران را به دست آورده - به داریسی پیشنهاد کمک داد و داریسی به کمک آن شرکت به مدت دو سال دیگر در ایران حفاری کرد تا اینکه در ۱۲۸۷/۱۹۰۸ ش. به نفت رسید و به بدین ترتیب استخراج نفت از ایران به شکل بازرگانی آغاز شد. یک سال بعد، داریسی و شرکت نفت برمه، شرکتی به نام

1. Baron Julius de reutter
2. Hotz
3. William knox darcy
4. first explation company
5. Burma oil company



«شرکت نفت ایران و انگلیس»^۱ تشکیل دادند. در این میان، بیشتر سهام شرکت به شرکت نفت برمه رسید. شرکت نفت برمه در سال‌های بعد بر اثر خشک شدن چاه‌های نفت برمه دچار مشکل شد و مجبور شد قسمتی از سهام خود را به شرکت نفت ایران و انگلیس بفروشد (سمسون، ۱۳۵۶، ص ۲۶).

در ۱۲۸۷/۱۹۰۸ ش.، نفت از چاه با فشار زیادی در مسجد سلیمان فوران کرد. بعد از کشف این معدن مهم، چند ماه بعد در آوریل ۱۲۸۷/۱۹۰۹ ش.، شرکت نفت ایران و انگلیس، با سرمایه دو میلیون لیره تشکیل و در لندن به ثبت رسید (شمیم، ۱۳۸۴، ص ۳۰۸). به‌طور کلی، شرکت نفت برمه در تأسیس و ترویج شرکت نفت ایران و انگلیس سهم عمده‌ای داشت و اهمیت شرکت نفت برمه از اینجا مشخص می‌شود که نخستین هیئت مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس از کسانی تشکیل شده بود که مدت‌ها در هندوستان مشغول و فکر آنها با اصول و روش استعماری اشباع شده بود. البته، بیشتر کارکنان فنی و بازرگانی شرکت از انگلستان استخدام شده و غالباً اطلاعی از ایران نداشتند (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۴۲۲).

از آنجا که منطقه حفر چاه نفت در مسجد سلیمان بود و بیشتر مردم این منطقه از طوایف بختیاری بودند، شرکت نفت ایران و انگلیس برای توسعه عملیاتش در ایران سه فقره قرارداد با آنها منعقد کرد. نخست، قراردادی بود که به موجب آن خوانین بختیاری را در امور شرکت سهیم می‌ساخت و برای این منظور شرکت نفت ایران و انگلیس، شرکت تابعه‌ای به نام «شرکت نفت بختیاری» تشکیل داد. سرمایه شرکت چهارصد هزار لیره بود که مجانی به خوانین بختیاری واگذار شد. دوم، قراردادی راجع به خرید اراضی بود که هر سال شرکت اراضی‌ای را که در حدود خاک بختیاری لازم داشت از ایلخانی و ایل پیگی به قیمت معین می‌خرید و این دو، که خود را نماینده دولت می‌دانستند، متعهد بودند وجه آن را به صاحبان حقیقی اراضی برسانند. سوم، قراردادی درباره حفاظت محل بود که ایلخانی یکی از خان‌زاده‌ها را به عنوان سرمستحفظ به شرکت معرفی می‌کرد و عده‌ای تفنگچی در اختیار وی می‌گذاشت. شرکت، حقوقی به سرمستحفظ و تفنگچیان می‌پرداخت و آنها امنیت ناحیه را حفظ می‌کردند و سالی سه هزار لیره هم به ایلخانی می‌داد. علاوه بر این، شرکت، در ۱۲۸۸ ش. قراردادی با شیخ خزعل منعقد و یک میل مربع از اراضی آبادان را برای ایجاد پالایشگاه از او خریداری کرد. سال بعد، ساختن پالایشگاه آبادان شروع و سه سال بعد خاتمه یافت (شمیم، ۱۳۸۴، صص ۳۰۹-۳۱۰).

آغاز عملیات اکتشافی شرکت نفت ایران و انگلیس در اهواز

بعد از اینکه نخستین چاه نفت در مسجد سلیمان فوران کرد، گمانه‌زنی‌ها در مورد حفر چاه نفت در دیگر نقاط خوزستان از جمله اهواز از سر گرفته شد؛ به گونه‌ای که شرکت برای



توسعه عملیاتش در اهواز مبادرت به حفر پنج چاه اکتشافی کرد. حفاری نخستین چاه نفت در سال ۱۲۹۱ش شروع شد و به عمق ۳۳۱۷ متر رسید و با وجود اینکه به نفت نرسید و حفاری در ۱۲۹۵ش. متوقف شد، سهم بسزایی از لحاظ کسب اطلاعات زمین شناسی این ناحیه داشت. در سال ۱۳۱۶ش. شرکت نفت ایران و انگلیس عملیات ژئوفیزیکی دامنه داری در دشت های منطقه اهواز شروع نمود. اهواز در این دوره به دلایل زیر مورد توجه واقع شد:

۱. اهواز در سر راه خط لوله مسجد سلیمان به آبادان واقع شده بود و در صورت کشف نفت وسیله لازم برای حمل و نقل به حداقل می رسید؛
۲. احتمال کشف یک منبع عمده نفت، در این منطقه، برای تکمیل محصول روزانه لالی - مسجد سلیمان و هفتگل زیاد بود؛ و
۳. منطقه اهواز در دشت واقع بود و وسایل نقلیه و وسایل زندگی شهری از هر لحاظ آماده بود (سعادت، بی تا، ص ۱۴۶).

شروع جنگ جهانی، حفاری را در این منطقه به تعویق انداخت، ولی بعد از جنگ مجدداً عملیات اکتشافی برای تکمیل اطلاعات قبلی شروع شد و در ۱۳۲۷ش. چاه دوم حفر شد که در عمق ۷۸۱۲ متر به علت رها شدن متنه حفاری در چاه متروک شد. در حالی که احتمال رسیدن به نفت در چاه های مزبور فوق العاده زیاد بود، لذا حفر چاه شماره ۳ در ۱۳۲۸ش. در نزدیکی چاه شماره ۲ آغاز شد که در عمق ۹۸۹۴ متر به آب با فشار برخورد کرد و حفاری متوقف شد. حفاری چاه شماره ۴ به فاصله ۳۰۰ متری از چاه شماره ۳ آغاز شد. همزمان، چاه شماره ۵ نیز در ۱۳۲۹ش. به عنوان جایگزین چاه شماره ۴ شروع و در ۱۳۳۰ش. در عمق ۸۲۰۰ متر در وضع خوبی، به علت ملی شدن صنعت نفت متوقف شد (سعادت، بی تا، ص ۱۴۷).

اهواز در دوره تسلط شرکت نفت ایران و انگلیس به شکل جایگاهی درآمد که مشکلات خطوط لوله در آن بررسی و تصمیم گیری می شد. در مناطق نفت خیز خوزستان، به خصوص در منطقه اهواز، انبارهای بزرگی وجود داشت که نه تنها هزاران وسیله برای حفاری، راه آهن، لوله کشی، جاده سازی و تأسیسات در آن وجود داشت؛ بلکه نیازهای کارکنان شامل مواد غذایی، مبلمان، و وسایل استراحت آنان در این منطقه به وفور یافت می شد و این انبارها مملو از کالاهای لوکس و مختلف بود. علاوه بر این، در اهواز تعمیرگاه بزرگی نیز برای ماشین های سنگین و نیز کارگاه مهندسی وجود داشت که این کارگاه ها شامل لوله پیچ، تراشکار، ریخته گر، آهنگر، مکانیک، اتومبیل ران، آل موتور بند، تعمیرکار وسایل برقی، دیگ بخار ساز، ابزار ساز، و جوشکار بودند (عباسی شهنی، ۱۳۸۲، صص ۱۵۶، ۱۶۴ و ۱۶۹). در کنار این مراکز، در اهواز، اصطبل برای قاطر ها وجود داشت که وجود این اصطبل ها و قاطر ها چاره ای برای حل مشکلات خط لوله بود. از آنجاکه قرار بود خط



لوله‌ای به موازات رودخانه کارون احداث شود، برای نصب خط لوله از دوبه (قایق) استفاده می‌کردند. لوله‌ها با استفاده از دوبه و از طریق رودخانه تا آب‌گنجی، در نزدیکی درخزینه (بین شوشتر و مسجدسلیمان) حمل می‌گردید. از آن نقطه به بعد خط، لوله‌ها می‌بایست از قلّه کوه و ارتفاعات تپه‌ها با شیب‌های تند کشیده می‌شدند. قهرمانان این عملیات، قاطرهایی بودند که از مناطق اصفهان و بغداد و حتی قبرس خریداری شده بودند و محل نگهداری آنها در مناطقی مانند اهواز، درخزینه، و تمبی بود (یعقوبی‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۱۳۴). نقش اهواز برای شرکت نفت ایران و انگلیس به همین منوال بود تا اینکه در ۱۳۱۷ ش. شرکت نفت ایران و انگلیس از اداره امتیازات و نفت ایران تقاضای سه قطعه زمین به مساحت ۳۷/۴۳۸ متر مربع برای ساختمان و احداث خط لوله حمل نفت از آبادان به اهواز کرد. خلاصه‌ای از متن این تقاضا، که از طرف شرکت نفت ایران و انگلیس به اداره امتیازات و نفت ارسال شده چنین است: «شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس طی نامه شماره ۶۹۵/۸۰۶۹۴ به تاریخ هفدهم آذر ۱۳۱۶ که رونوشت آنرا در ضمیمه ملاحظه می‌فرمایند تقاضا نموده است که از نظر ساختمان و احداث خط لوله حمل نفت از آبادان به اهواز سه قطعه زمین که مساحت کلیه آنها سی و هفت هزار و چهارصد و سی و هشت مترمربع است طبق مقررات ماده ۴ امتیازنامه به شرکت واگذار شود» (ساکما، ۲۴۰/۹۵۷۷). اهمیت اهواز برای شرکت نفت ایران و انگلیس بدین گونه بود، تا اینکه در ۱۳۲۹ ش. تصمیم گرفته شد امور اداری شرکت نفت ایران و انگلیس در مناطق نفت‌خیز از مسجدسلیمان به اهواز انتقال یابد. اهواز، از آن جهت برای این منظور انتخاب شد که مرکز اداری مناسب و راحتی برای مناطق نفت‌خیز بود که با پالایشگاه آبادان از خشکی و رودخانه ارتباط داشت و نیز به وسیله خط آهن به خرمشهر و بندر شاهپور مربوط بود (اخبار هفته، شماره ۲۲۴، ۱۳۲۹/۱۲/۴، ص ۱۵).

تأثیر عملیات اکتشافی شرکت نفت ایران و انگلیس در توسعه شهری اهواز

به نظر می‌رسد آبادان و مسجدسلیمان نقطه عطف توجه شرکت نفت ایران و انگلیس بودند. وجود پالایشگاه آبادان و نیز محل اداری شرکت در مسجدسلیمان دلیلی بر این گفته است. با وجود این، گسترش عملیات اکتشافی شرکت نفت ایران و انگلیس و حفر چند چاه اکتشافی در اهواز تغییراتی در امور اقتصادی و عمرانی و فرهنگی این شهر برجای گذاشت. این تغییرات را در موارد زیر می‌توان بیان کرد:

الف. ایجاد زیر بنای اقتصادی

مهم‌ترین ویژگی الگوی سنتی سازمان اجتماعی و اقتصادی خوزستان این بود که ایالت به دو بخش جدا یعنی مناطق قبیله‌نشین و مناطق شهری تقسیم می‌شد. نیمه جنوبی



خوزستان بیشتر از قبایل عرب و نیمه شمالی آن از سه گروه لر، بختیاری، و عرب تشکیل می‌شد که هر یک در صدد تلاش برای بهره‌برداری و دریافت سهم بیشتری از منابع کمیاب منطقه بودند. ساختار اقتصادی این قبایل با هم تفاوت داشت. مهم‌ترین تفاوت در ساختار اقتصادی این قبایل به نوع بهره‌برداری آنها از محیط مربوط می‌شد. فعالیت کشاورزی گرایش به یکجانشینی را ایجاد می‌کرد و فعالیت دامپروری گرایش به کوچ‌نشینی را الزام‌آور می‌نمود. با این حال، شایع‌ترین شکل این ساختار اقتصادی آمیزه‌ای از دو طیف یکجانشین و کوچ‌نشین بود (طرفی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۵۹، ۶۱).

مردم شهرهای خوزستان، در اثر تحول اقتصادی، که به واسطه نفت و وجود شرکت نفت در خوزستان روی داده بود، شهرهای آباد خویش را رها و به دور کارخانه‌ها و چاه‌های نفت جمع شدند. با اکتشاف نفت فرصت اشتغال در منطقه فراهم شد، ولی زمانی که زارعان و باغداران خوزستان مزارع و باغ‌های خود را رها کردند و به طرف میدان‌های نفتی سرازیر شدند، از میزان محصولات کشاورزی خوزستان کاسته شد. در زمان تسلط شرکت نفت ایران و انگلیس، بیش از سه مرتبه قحطی در خوزستان روی داد که بیشتر آنها دسیسه‌های شرکت نفت برای محتاج کردن مردم خوزستان بود. مردمی که گرد تأسیسات شرکت جمع می‌شدند می‌بایستی اشخاص ثروتمندی را تشکیل دهند، ولی اغلب کپر و اتاق‌های محقر حصیری را برای زیستن خود آماده می‌کردند (افشین، ۱۳۳۳، ص ۶۸). این افراد با رها کردن شغل کشاورزی، کارهای پست و سنگین انجام می‌دادند. کشاورزان و صنعتگران اصفهانی، چهارمحالی و یزدی با قاطر از راه ایذه و مال‌امیر به مسجد سلیمان می‌آمدند و کشاورزی و صنعتکاری را رها می‌کردند تا در شرکت به شغل فراشی و گولی (کارگر ساده) و جاروب‌والا (رفتگر) استخدام شوند، ولی این افراد ناخودآگاه تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفتند (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۲، ص ۳۰۲).

بنابراین، به نظر می‌رسد در سال‌های قبل از اکتشاف نفت، جامعه خوزستان جامعه‌ای سنتی بود که شیوه معیشت اهالی شهرها و روستاهای آن بر پایه کشاورزی، یکجانشینی، و کوچ‌نشینی بود و با شروع عملیات حفاری به تدریج مردم به سمت فعالیت‌های حفاری نفت روی آوردند.

با شروع عملیات حفاری در مناطق نفت‌خیز و روی آوردن مردم به دور تأسیسات نفتی در نوع اشتغال مردم منطقه تغییر اساسی ایجاد شد. بدین ترتیب، مردم منطقه، که فعالیت‌هایشان حول محور کشاورزی و دامپروری می‌چرخید، کار خویش را رها کردند و به کار جدیدی روی آوردند. اکتشاف نفت، فرصت‌های شغلی فراوانی ایجاد کرد و با پر حجم شدن عملیات نفتی و افزایش سطح تولید و توزیع درآمد ناشی از مشاغل نفتی،

فعالیت‌های اقتصادی دیگری همچون کشاورزی و تجارت، که از دیرباز در اهواز وجود داشت، کم‌رنگ شد (علم، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۶۶).

در ابتدای فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس، کارمند ایرانی وجود نداشت و فقط از خوانین محلی و شیوخ برای آرام گردانیدن مردم استفاده می‌شد و با پرداخت حقوق مکفی به خوانین و شیوخ سعی در آرام گردانیدن مردم داشت، ولی با افزایش تشکیلات شرکت احتیاج به کارگران و کارمندان ایرانی افزایش یافت و برای این کار ابتدا شروع به استخدام باسوادان محلی کرد، که می‌توانستند بنویسند و بخوانند و استعداد یاد گرفتن زبان انگلیسی را داشتند. اما شرایط استخدام آنها به هیچ وجه با شرایط استخدام کارمندان انگلیسی منطبق نبود و ایرانیان باسواد از کارمندان درجه دوم شرکت محسوب می‌شدند (افشین، ۱۳۳۳، ص ۱۲۳).

برای استخدام کارگران نیز اداره‌های به نام اداره کارگزینی وجود داشت که این اداره کارگران را برای بخش‌های مختلف شرکت از قبیل چاه‌کشی یا کارگاه‌های فنی پالایشگاه می‌فرستاد. اگر رئیس بخش مربوط مایل به استخدام او می‌شد شرکت او را استخدام می‌کرد و ترفیع مقام و مقررات کارگر مزبور به دست رئیس همان بخش بود (افشین، ۱۳۳۳، ص ۱۱۹). کلیه کارکنان فنی، اداری، و بازرگانی شرکت که مشاغل عمده و مسئولیت اداری داشتند، انگلیسی و کلیه کارمندان دفتری و عموم کارگران فنی و حتی آشپزها و پیشخدمت‌ها هندی و پاکستانی بودند و فقط کارهای غیر فنی به ایرانیان محول شده بود. تنها کارگران فنی ایرانی عبارت بودند از یک عده بنا و نجار و عده معدودی که زیر دست هندی‌ها و انگلیسی‌ها کارهای فنی آموخته بودند. معدودی از ایرانیان هم به عنوان منشی و میرزا استخدام شده بودند که کمی انگلیسی می‌دانستند (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۴۲۸).

از کارگران ساده برای عملیات جاده‌سازی، حمل و نقل به وسیله قاطر و الاغ، حمل ماشین‌آلات و مواد گوناگون، و نصب وسایل حفاری استفاده می‌کردند. بعضی‌ها، که در اطراف کشور دانش مهندسی کسب کرده بودند، به وسیله مهندسان اروپایی آموزش تخصصی بیشتری کسب کردند (عباسی شهنی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳). در جریان رشد کاملاً مجزای حوزه‌های نفتی خوزستان اشتغال به سرعت زیاد افزایش یافت و تعداد کارگران تا سال ۱۲۹۹ ش. به ۲۰۰۰ نفر رسید. این تعداد همچنان افزایش یافت، به گونه‌ای که در ۱۳۳۰ ش. ۵۵/۰۰۰ کارگر برای پیمانکاران شرکت نفت کار می‌کردند (هالیدی، ۱۳۵۸، ص ۱۸).

ایرانیان، در ۱۳۱۰ ش.، بیش از ۹۴ درصد کارگران شرکت نفت را تشکیل می‌دادند؛ حال آنکه فقط ۱/۱۲ درصد آنان جزء کارمندان بودند. این وضعیت، بعدها در اثر مبارزات کارگران ایرانی که حکومت را وادار می‌کردند از شرکت نفت بخواهد که تعداد بیشتری

کارگر ماهر ایرانی استخدام کند، تغییر کرد (وزیری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۹).

به نظر می‌رسد با گسترش فعالیت‌های نفتی در خوزستان، بازارهای شهری نیز رونق یافت. بازار نیز در این رهگذر به محلی برای رفع نیازمندی‌های کارگران و کارمندان تبدیل شد. حقوقی که به کارگران پرداخت می‌شد هر دو هفته یکبار و با دریافت چتی^۱ (کارت کوچکی که مبلغ حقوق بر روی آن درج شده بود) بین کارگران توزیع می‌شد. وقتی که شرکت تصمیم می‌گرفت مبلغی به دستمزد کارگران اضافه کند بازاریان از این امر خوشحال می‌شدند که کارگران بکپی (مقدار پولی که از تاریخ تصویب اضافه دستمزد تا تاریخ پرداخت عملی آن به کارگران پرداخت می‌شد) حقوق خود را خرید خواهند کرد (وزیری، ۱۳۸۰، ص ۲۷۷). البته، شرکت نفت ایران و انگلیس در مراکز عمده خود مغازه‌هایی داشت که کلیه مایحتاج کارمندان را از خارج وارد می‌کرد و تا زمان عقد قرارداد ۱۹۳۳ (۱۳۱۲ش) کالاهایی که در این مغازه‌ها به فروش می‌رسید، به کارمندان انگلیسی اختصاص داشت، ولی بعد از قرارداد ۱۹۳۳ شرایط تا حدودی بهتر از قبل برای کارکنان ایرانی در نظر گرفته شد (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۴۲۱).

در مورد قرارداد ۱۳۱۲/۱۹۳۳ش. نیز باید گفت که شرکت نفت ایران و انگلیس در ۱۹۳۲ به دولت ایران اطلاع داد که حق‌السهم دولت ایران بابت عایدات نفت در سال قبل فقط ۳۰۲/۰۰۰ لیره شده است، در حالی که در سال ۱۳۰۹/۱۹۳۰ش. عایدات ایران از این بابت چهار برابر این مبلغ بود. این تقلیل فاحش مورد اعتراض دولت ایران قرار گرفت و تقاضای رسیدگی کرد، ولی از آنجا که شرکت زیر بار نرفت، رضاشاه در آذر ۱۳۱۲ امتیازنامه داری و پرونده نفت را در آتش بخاری انداخت و به وزیرانش دستور داد که امتیازنامه داری را لغو کنند که فردای آن روز عملی شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۸). به نظر می‌رسد این قرارداد که جهت لغو امتیاز داری صورت گرفته بود در عمل معنایی جز تمدید امتیاز داری نداشت. به موجب قراردادی که در ۷ خرداد ۱۳۱۲ در تهران به امضا رسید، حق‌السهم ایران از عواید نفت صادراتی افزایش یافت. حوزه امتیاز شرکت نفت به یکصد هزار کیلومتر مربع در خوزستان و کرمانشاه محدود شد و شرکت متعهد شد برنامه آموزشی سریعی برای اینکه ایرانیان بتوانند مشاغل فنی صنایع نفت را عهده‌دار شوند، ترتیب بدهد ولی در مقابل امتیاز نفت به مدت شصت سال دیگر تمدید شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۸، صص ۳۸۹-۳۹۰). به طور کلی، شرکت نفت از زمان امتیاز داری تا بیست سال بعد، که قدرت حکومت مرکزی در سال ۱۳۰۳ش. در خوزستان مستقر گشت، کلیه لوازم خود و کارکنانش را از خارج تهیه می‌کرد و بهانه شرکت این بود که فقدان راه و راه‌آهن بین خوزستان و سایر نقاط مانع از این است که شرکت از فرآورده‌های داخلی

1. chaty
2. back pay

استفاده کند، ولی پس از اینکه راه آهن سراسری ایران نیز ایجاد شد وضع به همین منوال ادامه داشت (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۴۲۲).

احداث فروشگاهها نیز از اقدامات مهم شرکت جهت تأمین رفاه کارکنان و حفظ قدرت خرید آنها در تشکیلات خود بود. این فروشگاهها که به استور^۱ معروف بودند به فروشگاههای کارگری و کارمندی تقسیم می شدند که نقش مهمی در تعدیل قیمتها و حفظ و بالا بردن قدرت خرید کارکنان ایفا می کردند. جیره ماهانه کارگران به نام ریشن^۲ طبق برنامه مشخصی در فروشگاههای کارگری توزیع می شد (عباسی شهنی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۹).

فروشگاههای شرکت تا ۱۳۱۲/۱۹۳۳ ش. فقط به انگلیسیها جنس می فروختند، تا اینکه این فروشگاهها برای وارد کردن کالاهای خود از معافیت گمرکی برخوردار شدند و به شرط آنکه به کارگران ایرانی نیز جنس بفروشند درهای خود را به سوی ایرانیان گشودند (وزیری، ۱۳۸۰، ص ۳۳۱).

اهمیت اهواز در این دوره از اینجا مشخص می شود که اجناس مورد نیاز فروشگاه جیره کارگران توسط انبار عمده خواروبار در اهواز تهیه می گردید و بدین ترتیب توزیع آن به فروشگاههای تعاونی صنعت واگذار شده بود که با نظارت مستقیم سرپرست تدارکات منطقه انجام می گرفت. لازم به ذکر است که ریشن شامل آرد، برنج، روغن، شکر بود (عباسی شهنی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۹).

علاوه بر این موارد، شرکت، سالیانه میلیونها آجر برای عملیات عمرانی خویش از عراق وارد می کرد و مقادیر زیادی شن و ماسه از کویت خریداری می کرد. این امر اعتراض اهالی خوزستان و دولت وقت را برانگیخت. تا اینکه در ۱۳۱۶ ش. دو قطعه زمین در کوت عبدالله، به مساحت ۳۷/۳ هکتار به شرکت نفت ایران و انگلیس جهت تهیه آجر داده شد. متن نامه ای که از طرف وزارت جنگ به وزارت مالیه مخابره شده چنین است: «عطف به نامه شماره ۴۲۳/۴۱۷۰ راجع به واگذاری دو قطعه زمین در کوت عبدالله به مساحت ۳۷/۳ هکتار به شرکت نفت ایران و انگلیس جهت تهیه آجر مراتب از شرف عرض گذشت و اوامر مطاع مبارک شاهانه ضمن تصویب واگذاری اراضی چنین شرف صدور یافت (باید صاحبان آنجا را راضی کنند)» (ساکما، ۲۴۰/۸۷۳۲). از آنجا که منطقه کوت عبدالله در اهواز قرار داشت، ساخت این کارخانه نقش بسزایی در اقتصاد اهواز ایجاد کرد. به گونه ای که در ۱۳۲۷ ش.، دولت ایران طی تلگرافی از شرکت نفت ایران و انگلیس تقاضا کرد که آجر و مصالح دیگر را در اهواز و شوش تهیه کند تا عده ای از ایرانیان از این طریق به کار گماشته شوند (ساکما، ۲۴۰/۱۲۱۲۷). این کارخانه، که در جهت امور عمرانی شرکت ساخته شده

1. Store

2. Ration



بود، توانست شرایط اشتغال را برای عده‌ای از ایرانیان ایجاد کند. بعد از عقد قرارداد ۱۳۱۲/۱۹۳۳ ش. شرکت، به تدریج اقلام مورد نیازش را از ایران تهیه کرد. تا سال ۱۳۳۱ ش. اقلام مورد نیاز شرکت می‌بایست ابتدا از اداره گمرک اهواز بگذرند. وزارت دارایی در نامه‌ای به اداره گمرک اهواز دستور داد تا به شرکت اجازه داده شود تا بتواند اقلامی را که برای بیمارستان و رستوران شرکت و کشتی‌هایی که به آبادان حمل و نقل می‌کنند عبور دهد (ساکما، ۱۳۵۳/۸۱۵۳، ۲۴۰).

ب. ایجاد زیر ساخت های عمرانی

با رونق فعالیت‌های اکتشافی شرکت نفت ایران و انگلیس نیاز به مسکن برای کارکنان به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های شرکت تبدیل شد. تا قبل از اینکه نظارت حکومت مرکزی در خوزستان گسترش یابد (قبل از ۱۳۰۳ ش) شرکت برای عموم کارکنان انگلیسی، در مناطق نفت‌خیز، به‌ویژه اهواز، خانه‌هایی با امکانات رفاهی ساخت. کارکنان هندی و پاکستانی نیز در اتاق‌هایی که به شکل سربازخانه بنا شده بود سکنی داشتند، ولی برای کارکنان ایرانی خانه و مسکن ساخته نشد، به‌گونه‌ای که آنها مجبور بودند در کپرهای حصیری و در خانه‌های متفرقه‌ای که ساخته بعضی افراد بود زندگی کنند. از ۱۳۰۳ ش. که نفوذ و قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر شد، کارکنان ایرانی شرکت که احساس می‌کردند حکومت مرکزی سرپرست آنها می‌باشد دیگر حاضر نبودند شرایط خفت بار پیشین را تحمل کنند (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۴۲۸).

به تدریج، با توسعه عملیات نفتی در ایران و افزایش تعداد نیروی کار، تأکید شرکت بر ساخت خانه‌های مطلوب و مناسب بیشتر شد، تا جایی که شرکت در تولید و ارائه برق، خدمات درمانی، آب تصفیه شده و زهکشی به شهرداری محل کمک می‌کرد (طرفی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴۸). شرکت در ۱۳۱۷ ش. مقدار ۹۸ صدم هکتار زمین در کوت عبدالله (منطقه‌ای در اهواز) که پیوسته جایگاه تلمبه‌خانه شرکت نفت ایران و انگلیس بود، برای ساخت خانه‌های شرکتی دریافت نمود. در نامه‌ای که از طرف وزارت مالیه به اداره امتیازات و نفت در این خصوص صادر شده چنین آمده است: «هیئت وزرا در جلسه ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۱۷ ش. مطابق پیشنهاد شماره ۷۶۱/ف-۱۷/۲/۲۲ وزارت مالیه تصویب نمودند مقدار ۹۸ صدم هکتار زمین در کوت عبدالله که پیوسته جایگاه تلمبه شرکت نفت انگلیس و ایران در آن محل است برای خانه‌سازی جهت کارکنان شرکت مطابق مقررات امتیازنامه به شرکت مزبور داده شود» (ساکما، ۱۳۳۲/۸۷۳۲، ۲۴۰).

با ادامه و گسترش عملیات اکتشافی و ورود تعدادی کارشناس خارجی، نیاز به

واحدهای مسکونی و اداری بیشتر کاملاً محسوس بود؛ ولی تفکر اصلی غالب بر مسئولان وقت (معطوف به عملیات اکتشاف، حفاری، و بهره‌برداری) مجالی برای مسائل رفاهی کارکنان باقی نگذاشت و علی‌رغم احداث چندین ساختمان هنوز تمامی کارگران بومی و تعدادی از کارشناسان و کارمندان رده پائین در چادر به سر می‌بردند. بدین ترتیب، شرکت برای حل این مشکل ساخت چندین باب ساختمان را به پیمانکاران محلی واگذار کرد. نخستین پیمانکار شرکت فردی به نام حاج محمدتقی هادی‌زاده بود که در افواه عمومی به «نفتی» معروف شده بود (کسای، ۱۳۸۶، ص ۵).

ساختمان‌های اولیه شرکت با سبک و سیاق معماری متداول آن زمان خوزستان دارای دیوارهای بسیار بلند و قطور از سنگ و لاشه و ملات گل یا مخلوطی از خاک و گچ بود. در مواردی که دهنه دیوارها به یکدیگر نزدیک بود از سقف طاق ضربی استفاده می‌شد و در غیر این صورت، با قراردادن لوله‌های فولادی قطور با فصول معینی بر روی دیوارها و چیدن ورق‌های موجدار فلزی روی آنها نسبت به ایجاد سقف ساختمان اقدام می‌شد. در ساختمان‌هایی که با طاق ضربی پوشانده می‌شد، به دلیل محدودیت در ایجاد داربست و عدم ضرورت آن، سقف‌ها نسبتاً کوتاه بود اما هلال سقف‌ها را به دلیل جلوگیری از تبادل گرما از بالا به پایین بلند طراحی می‌کردند. پس از ایجاد سقف، به ضخامت نسبتاً زیادی خاک رس بر روی آن ریخته و پس از شیب‌بندی پشت‌بام با کاهگل اندود می‌شد. اینگونه بناها مختص به مسجد سلیمان بود و بعدها به اهواز نیز سرایت کرد و چندین انبار و کارگاه در محله خرمکوشک اهواز نیز برپا شد (کسای، ۱۳۸۶، صص ۵-۷). از آنجاکه این ساختمان‌ها عجولانه ساخته شده بود سبک معماری خاصی در آن دیده نمی‌شد و از استحکام کافی و همچنین از امکانات رفاهی نیز برخوردار نبودند. فقط در بعضی از ادارات و منازل جهت تهویه هوا بادبزن، حصیر یا ترکیبی از هر دو تهیه و در فاصله معینی از ساختمان آویزان می‌شد و طنابی را به قسمت تحتانی و وسط آن متصل نموده و مستخدمی در امتداد طناب ایستاده و با کشیدن و رها نمودن منظم این بادبزن هوایی، هوای گرم و طاقت‌فرسای محیط را قابل تحمل می‌نمود. در محوطه خرمکوشک اهواز، ساختمان‌ها بدون سقف کاذب و شیروانی و دارای بادگیر بودند. با توجه به اینکه تعبیه اینگونه بادگیرها مختص منازل مناطق کویری و از جمله شهر یزد می‌باشد می‌توان طراحی و ساخت این تعداد خانه را به معماران یزدی نسبت داد (کسای، ۱۳۸۶، صص ۵-۷).

به تدریج، با افزایش عملیات و گسترش فعالیت‌های شرکت نفت ساختمان‌هایی ساخته شد که در آنها هنر و معماری و ظرافت در طراحی ساخت منازل دیده می‌شد. در آبادان و مسجد سلیمان، که نقطه عطف توجه شرکت نفت ایران و انگلیس بودند،

برای کارکنان شرکت سه نوع ساختمان‌سازی صورت گرفت. به گفته عباسی شهنی: «بنگله‌های بزرگ و جادار مخصوص کارکنان سطح بالا، بنگله‌های کوچک‌تری برای کارمندان، خانه‌های ردیفی برای کارگران ماهر و ساده که آنها را ده فوتی و بیست فوتی می‌گفتند. طراحی خانه‌ها به‌خاطر گرمای هوا طوری ساخته شده بود که نور کمتری به آن بتابد» (عباسی شهنی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹). بنگله، از لفظ خارجی بنگلو، به معنی خانه یا محل نشیمن گرفته شده است (یعقوبی‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۱۷۴). در ساخت بنگله‌ها، که بیشتر مخصوص رؤسا و مدیران خارجی شرکت نفت در مسجد سلیمان بود، از هنر معماری و ظرافت در طراحی و ساخت منازل استفاده می‌کردند. سنگ‌نمای ساختمانی صیقل خورده‌ای، درهای تمام چوب با کنده‌کاری و در بعضی از قسمت‌های ساختمان آثاری از گچبری در سقف و دیوارها دیده می‌شد. خصوصیات دیگر اینگونه اماکن، پوشش ایرانی در جلوی ساختمان و قسمت‌های دیگر آن، که در معرض مستقیم تابش آفتاب بود، می‌باشد و در کنار این ساختمان‌ها از ایجاد فضای سبز نیز غافل نماندند و این درختان فضای دلپذیری را برای خانه‌های کارکنان سطح بالا فراهم کرده بود (کسایبی، ۱۳۸۶، ص ۸).

به نظر می‌رسد برای کارگران، که ابتدا در چادرهای حصیری زندگی می‌کردند، به تدریج خانه‌هایی مناسب ساخته شد، ولی امکانات رفاهی این خانه‌ها به پای خانه‌های کارمندی نمی‌رسید. طبق سندی که از ۱۳۲۸ ش. موجود است، خانه‌های کارگری، به‌خصوص در محله احمدآباد آبادان، تا ۱۳۲۸ ش. دارای دو یا سه اتاق بودند که دارای حیاطی با دیوار آجری و دارای اسکلت فلزی و سقف‌های دو طبقه بودند که بین شیروانی و سقف اتاق باز بود و با جریان هوا از بروز حرارت شیروانی به سقف اتاق جلوگیری می‌شد. مؤسسه‌ای که خانه‌ها را از آن خریداری می‌کردند موسوم به آرکن بود و این سقف‌ها را برای مناطق گرمسیری تعبیه کرده بود و ساخت و ساز این خانه‌ها، که در عرض چهار هفته تکمیل می‌شد، مجهز به لوله‌کشی نبود و برای هر بیست خانه یک تلمبه آب آشامیدنی تعبیه کرده بودند (ساکما، ۲۴۰/۹۴۲).

به‌طور کلی، معماری داخلی ساختمان‌های کارگری و کارمندی بسیار ساده بود، ولی منازل مسئولان شرکت، که اغلب انگلیسی‌ها در آن ساکن بودند از معماری خاصی بهره می‌برد. پنجره‌ها در عمق دیوار قرار گرفته، به‌طوری‌که حداقل گرما به داخل نفوذ می‌کرد. در داخل سالن نیز شومینه با گچبری ساده پیرامون آن و آجر نسوز در داخل آن حاکی از تبحر و تجربه معماران آن دوره بود. بسیاری از کارشناسان این نوع معماری را الهام گرفته از منازل قدیمی انگلستان می‌دانند با این تفاوت که کاربرد شیروانی در انگلیس بیشتر به

جهت محافظت از نزولات آسمانی بوده و هدف از تعبیه شومینه در انگلیس این بود که به جای سوخت گاز از زغال سنگ و چوب استفاده می‌گردید. آنچه مسلم است، با توجه به اشراف کامل مسئولان خارجی، به‌ویژه انگلیسی‌ها به امور کلیدی و ارکان نفت، همه ساخت‌وسازها با طراحی و نظارت آنها صورت می‌گرفت. خیابان‌بندی و ایجاد معابر در بخش‌های مختلف مسکونی و اداری با همان سبک و سیاق اروپایی شکل می‌گرفت. منطقه فدائیان اسلام (یا نیوسایت)^۱ در اهواز نمونه بارزی از اینگونه معماری است (کسای، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

بنابراین، با کشف نفت، نوع سکونت و شهرنشینی نیز دچار تغییرات اساسی شد. خانم پولین لاوانیه، پژوهشگر فرانسوی، که رساله تحصیلی وی در خصوص شرکت شهرهای شرکت نفت ایران و انگلیس بود معتقد است: «ورود مدرنیته به ایران از طریق خوزستان بوده و از راه همان شهرسازی نوین. زیرا پیش از آن شهرنشینی نوین وجود نداشته و این نوع شهرنشینی با استقرار صنعت نفت ایجاد شده است» (کتاب خوزستان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۳). کاوه احسانی، که مقالاتی در مورد نقش شرکت نفت و تأثیر آن در خوزستان نوشته نیز معتقد است: «صنعت نفت شهرهایی در خوزستان ایجاد کرد که تفاوت اساسی با سایر شهرهای ایران داشتند. یکی از کارکردهای مهم شهرهای کلاسیک تأمین قسمتی از نیازهای روستائیان از لحاظ بعضی از مواد غذایی، پوشاک و نیز ابزار تولید و جذب و توزیع مازاد اقتصادی روستا بوده است در صورتی که شهرهایی که شرکت نفت ایجاد کرد فاقد این کارکرد مهم بوده‌اند و کارکرد اصلی آنها سازمان‌دهی و سازمان‌یابی آنها در ارتباط با نیازهای صنعت نفت و شرکت نفت ایران و انگلیس بوده است» (کتاب خوزستان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۴).

ساخت خط آهن از جمله اقدامات عمرانی شرکت محسوب می‌شود که در جهت منافع خود شرکت ساخته شد. طبق اسناد موجود در سال ۱۳۰۳ ش.، شرکت نفت در پنج سال قبل (۱۲۹۸ ش.) برای حمل لوله و ماشین آلات سنگین شروع به ساختن خطی از درخزینه (سر راه بین اهواز و مسجد سلیمان) به تمبی (در نزدیکی مسجد سلیمان) کرد و لوله و ماشین آلات شرکت نفت از محرمه (خرمشهر فعلی) به وسیله کشتی به اهواز حمل می‌شد و از آنجا با کشتی‌های کوچک‌تری به درخزینه حمل و از درخزینه هم با خط مزبور به مراکز معدن نفت حمل و نقل می‌گشت و واگن‌هایی داشت که تماماً بارکش بود و فقط یک واگن مسافری داشت (ساکما، ۱۳۷۸۳/۲۴۰). ساخت این خط آهن در زمانی صورت گرفت که هنوز جاده مسجد سلیمان به اهواز ساخته نشده بود. این خط آهن از مسجد سلیمان تا درخزینه به طول ۷۲ کیلومتر امتداد داشت. در درخزینه، کالاها پس از تخلیه به دوبه (قایق)‌ها منتقل و مسافران

1. New site



پس از پیاده شدن نیز به وسیله کشتی شرکت به اهواز حرکت می نمودند. بعد از مدتی که جاده مسجد سلیمان به اهواز ساخته و آسفالت شد و حمل و نقل شرکت به وسیله کامیون‌ها انجام گرفت، تأسیسات خط آهن و کشتی رانی مزبور بین اهواز-درخزینه و مسجد سلیمان در ۱۳۲۲ ش. برچیده شد (عباسی شهنی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۷).

به تدریج، با افزایش عملیات اکتشافی شرکت نفت ایران و انگلیس، خط آهن نیز توانست پاسخگوی نیازهای شرکت باشد. به همین دلیل، با افزایش مصرف مواد نفتی در ایران و از آنجا که مصرف کنندگان مواد نفتی در مراکز پرجمعیت و دور از میدان‌های نفتی زندگی می کردند، سال به سال رساندن محصولات نفتی برای دستگاه پخش شرکت نفت دشوارتر شد و در اثر کندی وسایل حمل و نقل راه آهن و خرابی جاده‌ها، شرکت در ۱۳۲۸ ش. پیشنهاد کشیدن خط لوله از اهواز به تهران را داد که از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر در وسط راه لوله دیگری به طرف اصفهان منشعب می شد (ساکما، ۱۳۹۳/۲۴۰).

ساخت جاده نیز در راستای عملیات اکتشافی شرکت نفت ایران و انگلیس صورت گرفت. برای ساخت این جاده‌ها، که اغلب در تپه‌های پرپیچ و خم بودند، از مهندسان و کارگران زیادی استفاده می شد که بیشتر ایرانی بودند که با حقوق و وسایل ابتدایی به این کار می پرداختند. قسمت اعظم جاده‌هایی که ساخته می شدند برای رسیدن به نواحی جدیدی بود که عملیات اکتشافی در آنجا شروع شده بود و غالباً مسافت زیادی تا مرکز فعالیت‌های مناطق نفت خیز شرکت در مسجد سلیمان داشتند (عباسی شهنی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸). البته، شرکت، برای تسهیلات در امور زندگانی مردم گام برداشت با وجودی که راه‌های آبادان تا اهواز و اهواز به مسجد سلیمان مورد استفاده کلی شرکت از لحاظ حمل و نقل قرار می گرفت، شرکت نفت حتی تا پس از جنگ جهانی دوم اقدام به آسفالت و آبادانی آنها نکرد و برای توسعه عملیات به کارگران مزد کمی می داد و بیشترین بهره را از آنها می برد (افشین، ۱۳۳۳، صص ۶۸ و ۱۱۷). ساخت جاده در اهواز نیز در ادامه عملیات شرکت نفت ایران و انگلیس صورت گرفت. چنانچه در ۱۳۱۷ ش.، شرکت، قطعه زمینی در کوت عبدالله برای احداث میدان فرودگاه از دولت ایران گرفت، ولی در کنار این قطعه زمین، تقاضای قطعه زمینی دیگری برای ساختن جاده بین فرودگاه نامبرده و مرکز شرکت در کوت عبدالله، جمعاً به مساحت ۳۸ هکتار، کرد. در خلاصه‌ای از متن نامه‌ای که اداره امتیازات و نفت برای اعطای این مقدار زمین با شرکت نفت ایران و انگلیس به توافق رسید، چنین آمده است: «طبق تقاضانامه شماره ۴۷۴۴/۸۰ از به تاریخ هفتم شهریور ۱۳۱۷ هیئت دولت اصولاً با واگذاری قطعه زمین در کوت عبدالله برای احداث میدان فرودگاه و همچنین قطعه زمین باریک دیگری برای ساختن جاده بین فرودگاه نامبرده و مرکز شرکت

در کوت عبدالله که جمعاً به مساحت سی و هشت هکتار و دو دهم (۳۸/۲) می باشد موافقت فرموده اند» (ساکما، ۸۷۳۲/۲۴۰). ایجاد جاده‌ها در جهت تسهیل در رفت و آمد اتومبیل‌های باری و سواری صورت گرفت (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۶۸).

از دیگر اقدامات عمرانی شرکت باید به ساخت فرودگاه در جهت حمل و نقل سریع‌تر امور شرکت اشاره کرد. شرکت، ابتدا، در ۱۳۱۰ ش. تقاضای یک قطعه زمین مسطح در درخزینة از آقای معین‌التجار بوشهری جهت احداث فرودگاه ضروری از مسجد سلیمان به ناصری کرد، ولی از آنجا که اطراف این زمین با تپه‌ها و ماهورها احاطه شده بود و برای پرواز هواپیما خطرناک بود، شرکت از تقاضای خود صرف نظر کرد (ساکما، ۱۶۵۹۵/۲۴۰). شرکت، دو سال بعد از انصراف از تقاضای زمین برای فرودگاه، در ۱۳۱۲ ش.، بار دیگر از دولت اجازه احداث فرودگاه اهواز را از دولت گرفت؛ ولی از آنجا که فرودگاه اهواز در مواقع بارندگی برای شرکت غیر قابل استفاده بود شرکت در ۱۳۱۷ ش. از دولت تقاضا کرد که فرودگاه جدیدی با رعایت اصول معموله در کوت عبدالله ایجاد نماید که مساحت این فرودگاه ۳۸/۲۰ هکتار بود (ساکما، ۸۷۳۲/۲۴۰).

از دیگر اقدامات عمرانی شرکت باید به ایجاد کارخانه‌های برق اشاره کرد که در جهت منافع شرکت و برای تأمین رفاه کارکنان شرکت صورت گرفت. در بسیاری از محدوده‌های تولید نفت کارخانه‌های برق ایجاد گردید (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۶۸). احداث فاضلاب را هم می توان از اقدامات عمرانی شرکت به حساب آورد. استانداری خوزستان برای انجام این امر، در ۱۳۲۶ ش. از شرکت نفت تقاضای تهیه نقشه‌های هوایی از شهر اهواز کرد که سریع‌تر و دقیق‌تر از نقشه‌های زمینی بود. وزارت جنگ نیز با تهیه نقشه هوایی، به منظور تشریک مساعی و تأمین رفاه اهالی شهر موافقت کرد (ساکما، ۱۳۲/۳۰۳۰۲۴۰). در پی این اقدام، در اثر توصیه بهرامی، استاندار وقت خوزستان، شهرداری اهواز موظف شد ۷/۵ کیلومتر مجرای آب و فاضلاب در شهر بسازد. از این رو، شرکت ایران باختر، که برنده مقاطعه شده بود، آغاز عملیات این کار را برعهده گرفت (خبرهای روز، شماره ۹۲۸، ۱۳۲۸/۱۲/۲۵، ص ۴).

علاوه بر این، شرکت در ۱۳۲۸ ش.، تقاضای واگذاری یک قطعه زمین به مساحت ۲/۵۵ هکتار، واقع در اهواز، جهت عرصه مخزن آب آشامیدنی نمود (ساکما، ۵۷۸/۲۴۰). با وجود اینکه در اهواز در مناطق شرکتی اقدام به احداث لوله‌کشی شده بود، به گفته علی‌یعقوبی نژاد: «در غالب مناطق مسکونی کارگری و شخصی لوله‌کشی آب وجود نداشت و در سر هر ردیف خانه که اصطلاحاً به لفظ انگلیسی به آن لین^۱ می گفتند، یک شیر فشاری آب نیز وجود داشت که به آن بمبو می گفتند و زن‌ها و دخترها ظرف‌های

1. line
2. Bambo



خالی آب را به صف قرار می‌دادند تا به نوبت پر شود» (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۷۷).

ج. ایجاد زیربنای فرهنگی

از ابتدای عملیات شرکت نفت ایران و انگلیس مشخص بود که پیشگیری از بیماری‌ها و دادن خدمات بهداشتی بیش از دادن حقوق برای جذب کارگران مؤثر بود. از این رو، اعزام یک گروه پزشکی مجهز به امکانات و وسایل برای رسیدگی به امور درمانی در برنامه شرکت نفت قرار گرفت. یکی از اشخاصی که در ابتدای امر توسط شرکت به این مناطق آورده شد فردی به نام «ام.وی.یانگ»^۱ بود. از جمله روش موفقیت‌آمیز درمانی وی، عمل برداشتن آب مروارید چشم بود که ابتدا بر چشم یک گوسفند و سپس بر چشم یکی از رؤسای قبایل بختیاری صورت گرفت که بر محبوبیت وی بیش از پیش افزود (راسخی لنگرودی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵). دکتر یانگ، ابتدا رئیس کل اداره تأمین شرکت در مسجدسلیمان بود که در بین انگلیسی‌ها به «مأمور سیاسی» لقب داشت. افراد مورد استخدام اداره تأمین بعد از تعلیمات نظامی به عنوان آتش‌نشان در این اداره مشغول به کار می‌شدند (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۴۲۶).

دکتر یانگ، نخستین بیمارستان نفت را در ۱۲۹۳/۱۹۱۴ ش. در مسجدسلیمان تأسیس کرد. بیمارستان مسجدسلیمان مدت‌های مدیدی تنها بیمارستان مناطق نفت‌خیز به‌شمار می‌آمد و به اهواز و سایر مناطق نفت‌خیز خوزستان خدمات درمانی ارائه می‌نمود (سرداری پور، ۱۳۸۷، ص ۷۷). بعد از قرارداد ۱۳۱۲/۱۹۳۳ ش.، شرکت بر تعداد درمانگاه‌ها و تحت‌های بیمارستانی افزود (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۴۳۲). در مناطق نفت‌خیز، بعد از بیمارستان مسجدسلیمان، بیمارستان‌هایی در دیگر مناطق نفت‌خیز به‌ویژه اهواز نیز ساخته شد. البته، سازمان بهداشتی شرکت طوری تنظیم شده بود که با کمترین مبلغ ممکن اداره شود و آن اندازه وسیع و کامل نبود که حتی احتیاجات کلیه کارکنان و خانواده‌هایشان را تأمین کنند و اگر کارگری در حین کار مبتلا به بیماری صعب‌العلاج می‌شد شرکت به‌عذر اینکه بیماری مزبور ناشی از کار نبوده از مساعدت لازم دریغ می‌کرد (عباسی شهنی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹). باین حال، اقدام وی در ساخت بیمارستان مسجدسلیمان زمینه‌ای برای ساخت بیمارستان‌های شرکت در دیگر مناطق نفت‌خیز از جمله اهواز شد.

ساخت مدرسه در حوزه عملیات شرکت نیز از دیگر اقداماتی بود که در جهت توسعه و گسترش عملیات اکتشافی شرکت صورت گرفت. نخستین گام شرکت در خصوص ساخت مدارس در ۱۳۰۲ ش، گشایش یک مدرسه ابتدایی در آبادان و پس از آن مدرسه دیگری در اهواز بود. متعاقب آن مدارس دیگری نیز در سال‌های بعد گشایش

I. M.v.young



یافت به گونه‌ای که در اوایل ۱۳۰۹ ش. تعداد پنج مدرسه در حوزه‌های نفت خیز در مرکز شرکت به فعالیت آموزشی پرداختند (طرفی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۵۲). دبستان شش کلاسۀ خیام و دبستان فرهنگ کوه عبدالله در اهواز را می‌توان از مدارسی برشمرد که در راستای عملیات اکتشافی شرکت نفت ایران و انگلیس ایجاد شدند (سالنامه فرهنگ خوزستان، ۱۳۳۳، ص ۷۶). شرکت نفت ایران و انگلیس تا جنگ جهانی اول مدارس را تحت نظر داشت، ولی پس از خاتمۀ جنگ آن را به کارگران ایرانی محول کرد (سالنامه فرهنگ خوزستان ۱۳۳۳، صص ۵۶ و ۵۷). رونق و گسترش مدارس شرکت نفت از زمانی شروع شد که بعد از قرارداد ۱۳۱۲/۱۹۳۳ ش. طرحی هشت‌ساله از طرف وزارت دارایی به شرکت داده شد که شرکت ناچار شد آن را قبول کند. طی این طرح، شرکت موظف بود در ساخت تعدادی مدرسه، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای، ساخت دانشکده فنی، خانه‌سازی، و توسعه بهداشت کمک مالی کند (طرفی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۳۲).

بعد از این طرح، وضع بهداشت و فرهنگ شرکت در حوزه‌های عملیاتی خویش بهتر از قبل شد. طبق اسنادی که بعد از این طرح منتشر شد، شرکت در ۱۳۱۳ ش. کمک هزینه‌ای به مبلغ ۱۳/۰۰۰ ریال برای تجهیز مدارس که در حوزه عملیات شرکت بودند، پرداخت کرد (ساکما، ۲۴۰/۶۸). شرکت نفت تأکید داشت که منظور از مدارس مورد نظر شرکت، مدارس عادی ابتدایی و متوسطه بود که در نواحی عملیات شرکت تأسیس شده بودند (ساکما، ۲۴۰/۶۸). شرکت، در سندی، در ۱۳۱۳ ش. هدفش را از تأسیس مدارس در خوزستان دو عامل مهم ذکر کرده است: الف. تهیه کارکنان آزموده جدید برای اداره امور شرکت، و ب. ایجاد مؤسسه‌های معارفی در خود مراکز عملیاتی برای تربیت کودکان کارکنان ایرانی تا بتواند به این وسیله اعضای لایق را در خدمت شرکت نگاه دارد. شرکت، از همان آغاز که بودجه‌ای را به مدارس اختصاص داده بود، طی تلگرافی از آقای داور، وزیر مالیه وقت، تقاضا کرده بود که حقوق بیشتری به معلمانی که در مراکز عملیات شرکت هستند داده شود و دبیرستان اهواز دوره تجارت را در عوض دوره علمی تعلیم دهد، زیرا دوره تجارت برای شرکت مفیدتر است. البته، شرکت این امر را نیز یادآور شد که تعهدی ندارد که به معارف مراکز مهم عملیاتی یا معارف خوزستان اعانه بدهد، ولی می‌تواند مساعدت مالی را در این زمینه انجام دهد (ساکما، ۲۴۰/۶۸).

در دوره رضاشاه تا جنگ جهانی دوم، همواره جدال و چانه‌زنی بین دولت مرکزی و شرکت نفت وجود داشت. جدال بر سر هزینه مدارس و مواد آموزشی وجود داشت. آموزش و پرورش حاضر نبود این هزینه‌ها را تقبل کند و از طرفی، شرکت نیز معتقد بود که یک شرکت تجاری است و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان برعهده آن شرکت نیست.

ولی بعدها شرکت برای حفظ منافع خودش مجبور شد این هزینه‌ها را تقبل کند (کتاب خوزستان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۲). امکانات و تسهیلات رفاهی برای کارکنان نیز از دیگر خدمات شرکت در راستای عملیات اکتشافی خویش بود. به گفته نویسنده کتاب رئیس نفت: «از بازی‌های تنیس، گلف و فوتبال تا تیراندازی، اسکواش، قایق‌سواری، بریج، عکاسی، نقاشی و تئاتر و پارتنی‌های شبانه همه در دسترس بودند با این تفاوت که دسترسی به این نوع تفریحات در انگلستان مستلزم پیمودن بعد مسافت زیادی بود» (یعقوبی‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۷۳). سینماهای بسیاری در مناطق نفت‌خیز ساخته شد. در ۱۳۱۷ ش. کارکنان شرکت نفت ایران و انگلیس که در اهواز ساکن بودند، در گوشه و کنار شهر پرده نمایش را به دیوار می‌آویختند و فیلم‌های کوتاه داستانی یا تبلیغاتی به نمایش می‌گذاشتند (تقی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۹۳).

شرکت نفت ایران و انگلیس، در مناطق نفت‌خیز، به‌ویژه اهواز، باشگاه‌هایی جادار، خوش‌ساخت و مجهز به اتاق استراحت، اتاق بیلارد، اتاق ورق‌بازی، اتاق مطالعه، معمولاً سالن رقص، سکوی نمایش، و اتاق تعویض لباس نیز برای کارکنان به‌خصوص اروپاییان ساخت (عباسی‌شهنی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷). باشگاه‌هایی مانند کوه عبدالله، نفت، و ساحل در اهواز که بعد از ملی شدن نفت برای رفاه کارکنان نفت گسترش یافتند، ابتدا در زمان شرکت نفت ایران و انگلیس پی‌ریزی شده بودند (نامه صنعت نفت ایران، شماره ۳، -/۵/۱۳۵۰، صص ۱۸-۲۰). با این حال، عضویت باشگاه‌های عمده شرکت، حق رفتن به سینما، سوار شدن اتوبوس‌های خصوصی، و استفاده از مغازه‌های شرکت که کالاهای اروپایی داشت، استفاده از زمین‌های ورزشی و استخرهای شنا فقط اختصاص به انگلیسی‌ها و معدودی از ایرانیان عالی‌رتبه داشت (فاتح، ۱۳۸۴، ص ۴۵۵).

در زمان تسلط شرکت نفت ایران و انگلیس، انگلیسی‌ها، استرالیایی‌ها، کانادایی‌ها، نیوزلندی‌ها، و هندی‌ها اغلب با کلاه چوب‌پنبه‌ای در شهر دیده می‌شدند. اروپایی‌ها در استخرهای آب خنک به شنا و آب تنی می‌پرداختند، در حالی که زنان کارگران ایرانی ساعت‌ها جلوی شیر آب صف می‌کشیدند تا سطل و کوزه‌های خود را پر کنند (معتضد، ۱۳۷۸، ص ۵۳۲).

همزمان با اکتشاف نفت در خوزستان و نیز آغاز فعالیت‌های شرکت نفت ایران و انگلیس پدیده وام‌گیری واژگانی، به‌صورتی بسیار عمیق و گسترده در مناطق نفت‌خیز شکل گرفت. از آنجا که تأسیسات همه مدرن بودند و برای ابزار و آلات معادل فارسی وجود نداشت، ایرانیان مجبور بودند از همان کلمات خارجی را که انگلیسی‌ها به کار می‌بردند، استفاده کنند تا بتوانند با رؤسای خارجی ارتباط برقرار کنند. همچنین، ایرانیان برای اینکه

بتوانند موقعیت بهتری را در سیستم به دست آوردند سعی می‌کردند تماس نزدیکی با انگلیسی‌ها داشته باشند. در نتیجه، می‌بایستی نشان می‌دادند که زبان انگلیسی را می‌توانند بهتر استفاده کنند. به تدریج، به‌کارگیری این زبان حتی در گفت‌وگوهای روزانه خارج از محیط کار نیز رواج یافت. به‌کارگیری و یادگیری زبان انگلیسی یکی از لوازم ارتقاء شغلی نیز بود. همه این عوامل باعث شد که افراد در یادگیری و به‌کارگیری زبان انگلیسی از یکدیگر پیشی بگیرند (قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱). رواج زبان انگلیسی بین کارکنان انگلیسی و بعضی کارکنان ایرانی باعث شد که به مرور بعضی واژگان انگلیسی در گویش روزانه مردم معمول شود. کلماتی مانند گیلاس (glass) به معنی لیوان، مکینه (makineh) به معنی ماشین اصلاح-آسیاب، وایر (vayer) به معنی سیم برق، آفیس (office) به معنی اداره، لین (line) به معنی ردیف و کوچه از کلماتی هستند که هنوز هم در میان عامه مردم رواج دارند (علم، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۶۸).

فعالیت‌ها و اقدامات حساب شده شرکت، به تدریج موجب ترویج فرهنگ غربی در خوزستان شد و با برنامه‌های بلندمدت در تلاش بودند این فرهنگ غربی را که با مبانی ملی مذهبی ایرانیان در تعارض بود را نهادینه کنند. توجه انگلیسی‌ها بر روی فرهنگ آموزش و پرورش از این سیاست نشأت می‌گرفت (علم، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۶۸).

سرانجام، اقدامات و امکانات شرکت میان کارکنان و کارگزارانش، به مرور باعث تبعیض میان کارکنان شد. این تبعیض‌ها در مواردی نیز منجر به اعتصابات نیز می‌شد. نمونه‌های فراوانی از اعتصابات کارگران ایرانی نسبت به سیاست‌های شرکت نفت وجود دارد. از جمله به اعتصابات سال‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۰۸ و ۱۳۲۸ ش. و نیز در سال ۱۳۲۹ ش. که همزمان با ملی شدن نفت در مناطق نفت‌خیز صورت گرفت، می‌توان اشاره کرد. اعتصابات ۱۳۰۰ ش. و ۱۳۰۸ ش. و همچنین ۱۳۲۵ ش. برای افزایش دستمزد و مسکن و امکانات بهداشتی صورت گرفت. در اعتصابات سال ۱۳۲۵ ش. و ۱۳۲۹ ش. علاوه بر اعتراض به وضعیت معیشتی، کارگران به امور اداری شرکت نیز اعتراض شد و کارگران در آن اعتصابات خواهان عدم دخالت شرکت نفت در امور سیاسی و داخلی ایران شدند (کاشانی، ۱۳۹۱، صص ۷۶ و ۹۴).

تسلط شرکت نفت ایران و انگلیس به همین وضع ادامه داشت تا اینکه با ملی شدن صنعت نفت ایران جلوی سیاست استعماری انگلستان گرفته شد. این شرکت، در فاصله سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۲۸ ش. مبلغ ۸۹۵ میلیون پوند به دولت انگلیس مالیات می‌پرداخت و ۱۵ میلیون پوند سهام سهامداران غیر ایرانی (و بیشتر غیر انگلیسی) بود و تنها ۱۵ میلیون پوند به دولت ایران می‌پرداختند. در ۱۳۲۴ ش.، ایران به تنهایی بیش از تمامی کشورهای عربی از

جمله (عربستان، بحرین، و عراق) نفت تولید می کرد. شرکت های نفتی آمریکایی در اواخر دهه ۱۳۲۰ ش. قرارداد مستقیم سود بر مبنای پنجاه-پنجاه را با عربستان سعودی و ونزوئلا امضا کردند. وقتی ایران خواهان تجدید نظر در میزان حق امتیاز شد، شرکت نفت ایران و انگلیس تنها با یک «قرارداد الحاقی» موافقت کرد که حق امتیاز ایران را از تاریخ ۱۳۲۸ ش. به جای ۴ شیلینگ به ۶ شیلینگ افزایش می داد. مصدق، با کش دادن مسئله مانع تصویب آن شد (فوران، ۱۳۸۹، صص ۴۲۴-۴۴۲).

در تظاهراتی که در دی و بهمن ۱۳۲۹ از سوی جبهه ملی و بهره‌بری مصدق برپا شد، مردم از دولت خواستند صنعت نفت را ملی اعلام کند. روز ۱۷ اسفند ۱۳۲۹، یعنی یک روز بعد از ترور رزم‌آرا، نخست وزیر وقت، مجلس پیشنهاد ملی کردن نفت را به مجلس داد. در ماه‌های فروردین و اردیبهشت ۱۳۳۰ کارگران صنعت نفت طی اعتصاب دو هفته‌ای خواهان افزایش دستمزدها و ملی شدن ایران شدند و محمد رضا شاه در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ رسماً قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت نفت سابق و ایجاد شرکت های ملی نفت ایران را اعلام کرد. از این پس، مبارزه دو ساله بر سر ملی شدن نفت و محاصره اقتصادی ایران توسط انگلیس آغاز شد (فوران، ۱۳۸۹، صص ۴۲۵). در تاریخ ملی شدن صنعت نفت، شرکت نفت ایران و انگلیس متجاوز از ۴۵۰۰ کارمند انگلیسی داشت که بیشتر آنها کارمندانی بودند که تخصص فنی یا حتی اداری نداشتند (تاریخچه نفت، ج ۱، ص ۷).

بنابراین، شرکت نفت ایران و انگلیس با عملیات اکتشافی خویش تغییراتی را در امور اقتصادی و به خصوص عمرانی و فرهنگی مناطق نفت خیز ایجاد نمود و در ایجاد زیربنای اقتصادی و عمرانی و فرهنگی مناطق نفت خیز از جمله اهواز تأثیر گذاشت،

نتیجه‌گیری

کشف، استخراج، و بهره‌برداری از منابع نفت سرآغاز تحولات جدیدی در تاریخ و زندگی مردم ایران به خصوص مناطق نفت خیز شد. قرار داشتن اهواز در مسیر خطوط لوله مسجد سلیمان به آبادان، واقع بودن این شهر در دشت که امکان دسترسی به وسایل نقلیه و زندگی شهری را راحت تر می ساخت و همچنین همجواری اهواز با رودخانه کارون و نزدیک بودن به خلیج فارس از جمله دلایلی است که باعث شد شهر اهواز در کنار مسجد سلیمان و آبادان به عنوان یکی دیگر از مراکز مهم نفت خیز مطرح شود.

به دنبال تسلط شرکت نفت ایران و انگلیس در بهره‌برداری از منابع نفتی کشور، مردم نیز در مناطق نفت خیز خوزستان از جمله اهواز و شهرها و روستاهای اطراف به منظور

پیدا کردن شغل پردرآمدتر خانه و کاشانه خود را رها کردند و به سمت میدان‌های نفتی سرازیر شدند. در نتیجه چنین اقدامی وضعیت کشاورزی مناطق نفت خیز دچار رکود شد و گرایش مردم به سمت فعالیت‌های تجاری افزایش یافت. از طرفی، اقدامات شرکت نفت ایران و انگلیس به مرور باعث شد شهرسازی نوین ابتدا وارد خوزستان و سپس وارد ایران شود. از جمله مظاهر شهرسازی نوین می‌توان به ساخت خانه‌های مجهز به سبک اروپایی، به خصوص سبک انگلیسی، تأسیس واحدهای مخابراتی، ساخت جاده، صنایع برق، تصفیه‌خانه‌ها، تأسیس مدارس و بسیاری از موارد دیگر اشاره کرد. تجهیزات مدرن و نیز الگوهای شهرسازی مدرن به مرور توسعه شهری اهواز را گسترش داد. بنابراین، شرکت نفت ایران و انگلیس به تدریج به توسعه شهری گذاشت، به گونه ای که می‌توان بعضی از زیرساخت‌های اقتصادی و عمرانی و فرهنگی اهواز را مدیون نفت و شرکت نفت ایران و انگلیس دانست. تغییر معیشت و سبک زندگی مردم، روی آوردن به فعالیت‌های اقتصادی، توسعه تأسیسات عمرانی و رواج تعدادی واژگان بیگانه در گویش مردم از جمله تأثیراتی است که نشان می‌دهد نفت تا چه حدی در زندگی مردم نواحی نفت خیز رخنه کرده است؛ باین حال، اقدامات شرکت نفت ایران و انگلیس به مرور باعث ایجاد شکاف و فاصله میان کارکنان خارجی و کارکنان ایرانی شد، زیرا بسیاری از امکانات و امتیازات به کارکنان خارجی به خصوص انگلیسی‌ها تعلق می‌گرفت. به همین خاطر، ایرانیان هیچ‌گاه از تبعیضاتی که مدیران شرکت نفت ایران و انگلیس بین خارجی‌ها و ایرانیان به وجود آوردند راضی نبودند و صدای نارضایتی آنان در اعتصابات که از طرف کارکنان ایرانی شرکت صورت گرفت نمایان است.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره ۲۴۰/۹۵۷۷، ۲۴۰/۸۷۳۲/۱۲۱، ۲۴۰/۲۴۰، ۲۴۰/۸۱۵۳/۸۷۳/۲۴۰، ۲۴۰/۲۴۰، ۲۴۰/۸۱۳۲/۲۴۰، ۲۴۰/۱۶۵۹۵/۲۴۰، ۲۴۰/۸۱۳۲/۲۴۰، ۲۴۰/۴۹۳/۲۴۰، ۲۴۰/۱۴۷۸۳/۲۴۰، ۲۴۰/۹۴۲/۲، ۲۴۰/۶۸/۲۴۰، ۲۴۰/۶۸/۲۴۰، ۲۴۰/۶۸/۲۴۰.

افشین، کاظم (۱۳۳۳). *نفت و خوزستانیان*. تهران: بی نا.

وزارت نفت شرکت ملی حفاری ایران (بی تا). *تاریخچه نفت* (ج ۱). بی جا: بی نا.

تقی زاده، محمد (۱۳۸۴). *تاریخ اهواز از دوران باستان تا انقلاب اسلامی*. تهران: نشر علم و ادب.

راسخی لنگرودی، احمد (۱۳۸۵). *مردان نفت*. تهران: کویر.



- اداره کل فرهنگ و هنر خوزستان و مرکز اسناد (۱۳۳۳). *سالنامه فرهنگ خوزستان*. تهران: بی‌نا.
- سرداری پور، محمد رضا و علی ایزدی نژاد (۱۳۸۷). *حکایت سیمرخ و نفت*. تهران: اساطیر.
- سعادت، فتح‌الله (بی‌تا). *جغرافیای اقتصادی نفت ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سمسون، آنتونی (۱۳۵۶). *هفت خواهران نفتی* (ذبیح‌الله منصوری، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۴). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: مدبر.
- طرفی، عباس (۱۳۸۳). *مدیران صنعت نفت ایران* (ج ۱). بی‌جا: ناشر مؤلف.
- عباسی شهنی، دانش (۱۳۸۲). *تاریخ مسجد سلیمان از روزگاران باستان تا امروز* (ج ۲). تهران: هیرمند.
- علم، محمد رضا (۱۳۸۶). *انقلاب اسلامی در اهواز: علل و زمینه های وقوع انقلاب اسلامی* (ج ۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عیسوی، چارلز (۱۳۸۸). *تاریخ اقتصادی ایران* (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گسترده.
- فاتح، مصطفی (۱۳۸۴). *پنجاه سال نفت در ایران*. تهران: علم.
- فوران، جان (۱۳۸۹). *مقاومت شکننده* (ج ۱۰). (احمد تدین، مترجم). تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قاسمی، ایرج (۱۳۸۷). *تاریخ یکصدساله مناطق نفت خیز جنوب* (ج ۱). بی‌جا: روابط عمومی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب.
- کتاب خوزستان (در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات خوزستان) (۱۳۸۱). (ج ۱). تهران: سایه هور.
- کسای، احمد (۱۳۸۶). *مروری بر تاریخچه معماری و عملیات ساختمانی مناطق نفتخیز جنوب*. بی‌جا: روابط عمومی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب.
- معتضد، خسرو (۱۳۷۸). *جنگ نفت روی شن های داغ*. تهران: علمی.
- وزیری، شاهرخ (۱۳۸۰). *نفت و قدرت در ایران: از قنات تا لوله* (مرتضی ثاقب فر، مترجم). تهران: موسسه انتشاراتی عطایی.
- هالیدی، فرد (۱۳۵۸). *دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران* (فضل‌الله نیک‌آیین، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۶). *تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*. تهران: امیرکبیر.
- یعقوبی نژاد، علی (۱۳۷۲). *رئیس نفت*. بی‌جا: یادواره کتاب.

نشریات

- اخبار هفته*، شماره ۲۲۴، ۱۳۲۹/۱۲/۴.
- خبرهای روز*، شماره ۹۲۸، ۱۳۲۸/۱۲/۲۵.
- نامه صنعت نفت ایران*، شماره ۳، ۱۳۵۰/۵/-.

پایان نامه

- کاشانی، سکینه (۱۳۹۱). *بررسی زمینه های شکل گیری جنبش و اعتصابات کارگری نفت در خوزستان* (۱۳۳۲-۱۳۰۳ ش)، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز.

